حضرت آقا

**محمّد مصطفی بُغدادی**

و از جمله مهاجرين و مجاورين حضرت آقا محمّد مصطفی بغدادی بود \* اين سراج وهّاج سليل جليل عالم نحرير الشّيخ محمّد شبل در عراق عرب بود و از جوانی فريد و يگانه در نهايت شهامت و شجاعت و وفاق شهير آفاق بود \* از بدو طفوليّت در شبستان دل بدلالت پدر شمع هدايت بر افروخت و پرده موهوم بسوخت ديده بينا گشود و آيات کبری مشاهده نمود و بی‌محابا نعره قد اشرقت الارض بنور ربّها بلند نمود \*

سبحان اللّه با وجود آنکه تعرّض شديد بود و عقوبت پديد و ياران هر يک در زاويه تقيّه در نهايت خوف و بيم در چنين اوقاتی آن شخص کريم در نهايت شجاعت جسورانه حرکت مينمود و مردانه مقاومت هر ظالمی ميکرد \* کسيکه در عراق در تاريخ هفتاد شهير بمحبّت نيّر آفاق بود اين ذات محترم بود \* چند نفسی ديگر که در دار السّلام و حوالی بودند در زوايای احتياط و کتمان خزيده اسير نسيان بودند \*

باری، اين هژبر فائق در هر کوئی جسورانه و مردانه عبور و مرور مينمود و عوانان از قوّت بازو و شدّت بأس او جرئت تعرّض نمينمودند \* و چون جمال قدم از سفر کردستان رجوع فرمودند جلوه مردانه آن شخص رشيد در اعين و انظار بيفزود هر وقت مأذون ميشد بحضور ميشتافت و از فم مطهّر اظهار عنايت ميشنيد \* اوّل شخص احبّا در عراق بود و بعد از وقوع فراق و حرکت موکب مبارک بمدينه کبری در نهايت ثبوت و استقامت مقاومت اعدا مينمود کمر بر خدمت بست و واضحًا مشهودًا نفوس را هدايت مينمود \* چون اعلان من يظهره اللّهی بمسامع اهل آفاق رسيد جناب مشار اليه از نفوسی بود که قبل از اعلان مؤمن و موقن بود فرمود انّا آمنّا قبل ان يرتفع النّداء \* زيرا قبل از نداء نفس اشراق پرده از اهل آفاق بر داشت هر بينائی مشاهده انوار مينمود و هر طالبی جمال مطلوب ميديد \*

باری، بنهايت قوّت بر خدمت امر برخاست و شب و روز آرام نداشت \* بعد از حرکت جمال قدم بسجن اعظم و اسيری ياران از زوراء بحدباء و خصومت مشاهد اعدا و تعرّض اهل بغداد در دار السّلام باز فتوری نياورد بلکه بکمال استقامت مقاومت مينمود \* مدّتی بر اين منوال گذشت شوق لقا چنان بهيجان آمد که فريداً وحيدًا توجّه بسجن اعظم نمود و در ايّام شدّت و ضيق بعکا وارد گشت و بشرف لقا فائز گرديد و خواهش سکنی در حوالی عکا نمود مأذون به بيروت شده در آنجا بخدمت پرداخت و جميع زائرين را حين حضور و رجوع خادم صادق بود و عابد فائق بنهايت مهربانی ميزبانی ميکرد و در تمشيت امور حين عبور و مرور جانفشانی مينمود تا شهير آفاق گشت \* و چون شمس حقيقت افول نمود و نيّر ملأ اعلی صعود فرمود بر عهد و ميثاق چنان ثبوت و استقامت بنمود که متزلزلين جرئت نَفَس نداشتند مثل شهاب ثاقب رجم شياطين بود و مانند سيف قاطع ناقم ناکثين \* هيچ يک از ناکثين جرئت عبور و مرور از کوی او نمينمود و اگر تصادف ميکرد صمٌّ بکمٌ عمیٌ فهم لا يرجعون بودند \* مظهر لا تأخذه فی اللّه لومة لائم بود و لا يزعزعه صولة شاتم ظاهر و آشکار بود \*

باری، بر نمط و اسلوب سابق بقلبی فارغ و نيّتی صادق خادم ياران ثابت بود و قاصدان آن تربت پاک و طائفان مطاف ملأ اعلی را بجان و دل خدمت مينمود \* و از بيروت باسکندرون نقل و حرکت نمود و در آنجا ايّامی بسر برد و منجذباً الی اللّه و منقطعًا اليه و مستبشراً ببشارات اللّه و متشبّثاً بالعروة الوثقی شهپر تقديس بگشود و برفيق اعلی پرواز نمود \* رفعه اللّه الی الاوج الاعلی و الرّفيق الابهی و ادخله فی عالم الانوار ملکوت الاسرار محفل تجلّی ربّه العزيز المختار و عليه البهاء الابهی \*